

در طول تاریخ آموزش و پرورش، معلم همواره ستون و محور تعلیم و تربیت بوده. که گاهی مستقیم و زمانی غیرمستقیم در امر آموزش نقش داشته است. نکته‌ی قابل توجه این است که وظایف، مهارت‌ها، دانش و توانایی معلم براساس رویکردهای نظام آموزشی تعیین و در چارچوب محیط‌های آموزشی تبیین و تعریف می‌شود. ساده‌ترین تلقی از محیط آموزشی، محیطی است که «یادگیری» در آن رخ می‌دهد. و اگر چنین اتفاقی در محیط آموزشی رخ ندهد، اصولاً آن محیط رانمی‌توان آموزشی نامید. در کلاس درس، بر دو نظریه‌ی روان‌شناسی یادگیری در محیط‌های یادگیری، به ویژه محیط مدرسه و یادگیری رایج «رویداد» تلقی می‌نماید.

● نظریه‌ی شناختی و ساختن‌گرایی که بر انتقال مستقیم دانش از معلم به دانش‌آموز تأکید می‌کند و دانش‌آموز اصرار می‌ورزد و از یادگیری به عنوان یک فرایند یاد می‌کند.

● نظریه‌ی شناختی و ساختن‌گرایی که بر شناخت پدیده‌ها و ساخت دانش به وسیله‌ی حال، معلمی که با رویکرد رفتارگرایی آموزش می‌دهد، خود را مسئول تمام فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموز می‌داند و می‌کوشد که مطالب و مفاهیم درسی را هر چه عینی‌تر و ملموس‌تر ارائه دهد تا دانش‌آموزان، سهل‌تر و سریع‌تر یاد بگیرند. تجربه نشان داده است، این گونه آموزش، در عمل به حفظ طوطی‌وار مطالب درسی منجر می‌شود. از این رو، در سال‌های اخیر، کارشناسان تعلیم و تربیت به استفاده از رویکرد شناختی و ساختن‌گرایی تمایل بیشتری از خود نشان می‌دهند.

اما معلمی که با رویکرد شناختی و ساختن‌گرایی آموزش می‌دهد، می‌کوشد دانش‌آموزان مطالب درسی را با انجام دادن فرایندهای بویایی مانند جمع‌آوری اطلاعات از منابع گوناگون، طبقه‌بندی آن‌ها و تحلیل و تفسیر داده‌ها و تعامل با دیگران درک کنند و خود به تولید فکر یا ساخت دانش پردازند و آن‌چه را که دریافته‌اند، در کلاس ارائه دهند و درباره‌ی آن بحث کنند.

نکته‌ی قابل توجه در کاربرد رویکرد رفتارگرایی، مفید و مؤثر بودن آن در یادگیری‌های دبستانی و کسب مهارت‌های عملی و کسب مفاهیم عینی است. از این رو، روش آموزش مستقیم در محیط‌های کاری، به ویژه برای آموزش مشاغل و صنعت مناسب‌تر است. ولی از رویکرد شناختی و ساختن‌گرایی به طور کلی، برای پرورش انسان‌هایی متفکر، کارآمد، خلاق و مبتکر که می‌توانند مسائل زندگی خود را حل کنند، استفاده می‌شود.

امروزه، رویکرد ساختن‌گرایی در اکثر برنامه‌های درسی ملی کشورهای پیشرفته، در امر تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته است و در حقیقت یکی از ویژگی‌های سند برنامه‌ی درسی ملی هر کشور به حساب می‌آید. مفاد سند برنامه‌ی درسی ملی، برای برنامه‌ریزان درسی و آموزشی، مؤلفان کتاب‌های درسی، معلمان و مربیان و مدیران مدارس، راهنمایی عملی و جهت‌دهنده به سوی تحقق اهداف کلی و چشم‌اندازهای برنامه‌ی تعلیم و تربیت عمومی است و از این رو سندی معتبر و مرجع به حساب می‌آید. در حقیقت قانون اساسی نظام آموزشی و تربیتی است. برنامه‌ی درسی ملی اعتبار جهانی دارد و نشان‌دهنده آرمان‌های ملی، بلوغ فکری و توانمندی فرهیختگان یک ملت است و چنانچه دقیق، واضح و علمی تهیه شود و رهنمودهای آن به برنامه‌های عملیاتی قابل تبدیل باشد، می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم در تمامی بخش‌های نظام آموزش و پرورش تحول عظیمی به وجود آورد. در برنامه‌ی درسی

زنگ برنامه‌ی درسی ملی به صدا درآمد معلم در برنامه‌ی درسی ملی

ملی ما می‌توان گفت که دو نکته بسیار برجسته جلب توجه می‌کند:

۱. ماهیت برنامه درسی ملی ما معلم پرور و دین محور است؛ یعنی حرف‌های تازه‌ای برای جهانیان دارد.
۲. معلم و مربی عامل اصلی تغییر و تحول در نظام آموزشی و تربیتی به شمار می‌آید که مستلزم تربیت معلمانی دانا، توانا، صالح، متفکر، خلاق، متعهد و متخصص است.

مفاد نکته‌ی دوم به سبب این که مستقیماً با موضوع مقاله رابطه دارد و تحول بنیادی در نگرش معلم و مربی، دانش، مهارت، توانمندی حرفه‌ای، شیوه‌های تدریس و ارزشیابی تحصیلی، رفتار و مدیریت کلاس خود از پیشگامان اصلی تحول در نظام آموزشی هستند.

- انتظارات برنامه‌ی درسی ملی از آنان چیست تا بتوانند برای اجرای برنامه‌ی درسی خود را آماده کنند.

- چنانچه معلمان ارجمند بخواهند هم‌سو و هم‌جهت با برنامه‌ی درسی ملی، تجربه‌ها و اطلاعات خود را برای درج در مجلات رشد به رشته‌ی تحریر درآورند، حتماً با سردبیر مجله‌ی موردنظر تماس بگیرند.

تلقی سند برنامه‌ی درسی ملی از معلم و مربی

۱. الگو و اسوه‌ی اخلاقی، معنوی و علمی متری است.
 ۲. نقش راهنما و راهبری یادگیری را بر عهده دارد و متریان را با منابع یادگیری آشنا می‌کند.
 ۳. زمینه‌ساز رشد عقلانی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی متریان است.
 ۴. برنامه‌ریز درسی و تربیتی است.
 ۵. فرصت‌های مناسب یادگیری را برای متریان فراهم می‌کند.
 ۶. به اجرای فعالیت‌های یادگیری سازمان و جهت می‌دهد.
 ۷. می‌کوشد تا موانع یادگیری را از سر راه یادگیرندگان بردارد و آن‌ها را به دانش‌آموزان معرفی کند.
 ۸. یادگیرنده‌ی مادام‌العمر است.
 ۹. پژوهشگر آموزشی و پرورشی است.
 ۱۰. به سازمان‌دهی فعالیت‌های گروهی و مشارکتی متریان اهمیت می‌دهد.
 ۱۱. به عنوان مهندس و مدیر کلاس و محیط یادگیری عمل می‌کند.
 ۱۲. با راهبردهای یاددهی - یادگیری مؤثر و مناسب و درک شرایط خاص یادگیرندگان، بر تحقق اهداف کلی تأکید می‌کند.
 ۱۳. عامل ایجادکننده‌ی انگیزه‌ی یادگیری در متریان است.
 ۱۴. متناسب با امکانات و محدودیت‌های ناشی از ویژگی‌های متریان، ماهیت درس، فضا، زمان و... از انواع روش‌ها و راهبردهای فعال تربیت و تدریس استفاده می‌کند [سند برنامه‌ی درسی ملی، بهمن ۸۸: ۱۱۱ و ۱۱۰].
- معلمان علاقه‌مند می‌توانند، راه و روش‌های ابتکاری برای عملیاتی کردن هر یک از راهبردهای چهارده‌گانه را به رشته‌ی تحریر درآورند و برای درج در مجله ارسال کنند.
- با تشکر، موفق باشید.